

نقش ویژگی‌های بصری خط نستعلیق در انتقال پیام*

جلیل ا... فاروقی^۱، محمد علی بیدختی^۲، مونا نیکزادفر^۳

۱- دانشیار دانشگاه بیرجند

۲- استادیار دانشگاه بیرجند

۳- کارشناسی ارشد دانشگاه بیرجند

چکیده

هنر خوشنویسی در اسلام برای نوشتن و کتابت کلام وحی بوجود آمد، بنابراین از هنرهای سنتی و از مقدس‌ترین هنرهای جهان اسلام و به عبارتی برترین هنرهای دیداری اسلامی محسوب می‌شود. به دلیل اهمیت و گستردگی و تنوع کاربردی که این هنر داشته‌است، در دوره‌های مختلف تاریخ خطوط مختلفی بوجود آمدند که یکی از مهم‌ترین آنها، خط نستعلیق بوده‌است. این خط از ابداعات ایرانیان بوده و با ترکیب دو خط نسخ و تعلیق به وجود آمده‌است و به دلیل زیبایی بسیارش آنرا عروس خطوط اسلامی نامیده‌اند. تأثیرگذاری در سطح غیرکلامی، بخش مهمی از هویت و اهمیت هنر خوشنویسی در شکل‌های مختلف آن در طول تاریخ این هنر بوده‌است. در این مقاله با بررسی ویژگی‌های بصری حروف در خط نستعلیق و شیوه نگارش و ترکیب‌بندی آن‌ها با بهره‌گیری از مبانی هنرهای تجسمی به پیام‌هایی که این هنر در پیوند با محتوای کلامی و یا جدای از آن از طریق عناصر و روابط شکلی (فرم) طریق فرم به بیننده منتقل می‌کند (سطح غیرکلامی خط) پرداخته شده‌است.

واژه‌های کلیدی: هنر اسلامی، خوشنویسی، نستعلیق، هنرهای بصری، مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Email: j_faroughi@yahoo.com

2. Email: mabidokhti@birjand.ac.ir

3. Email: mona_n0@yahoo.com

مقدمه

انسان‌های اولیه از کنده‌کاری‌هایی که بر غارها داشته‌است از خط برای انتقال اندیشه‌های خویش بهره برده‌است و در گذر زمان و با پدید آمدن خط‌های بسیار برای یک زبان، بنظر می‌رسد که هدف از نوشتن تنها انتقال اندیشه صرف از طریق کلام نیست بلکه نوع خط نیز حامل پیام است که می‌تواند در انتقال معنای کلامی یا جدای از آن تأثیرگذار باشد. بنابراین تأثیرگذاری در سطح غیر کلامی بخش مهمی از اهمیت هنر خوشنویسی در شکل‌های مختلف آن در طول تاریخ این هنر بوده‌است.

در هنرهای سمعی، والاترین هنرها هنر تلاوت قرآن است، در هنرهای دیداری والاترین هنرها که مقدس‌ترین هنرها نیز می‌باشند هنر خوشنویسی و معماری است. هنر خوشنویسی از مقدس‌ترین هنرهاست چرا که با کتابت قرآن یعنی کلام الهی سر و کار دارد و در سلسله مراتب هنرها در ردیف اول جای دارد. این هنر مستقیماً به بیان واکنش روح مسلمین در قبال نزول کلام وحی می‌پردازد. شعر عربی با اینکه پیش از نزول کلام وحی وجود داشته‌است اما خوشنویسی عربی یا طبعاً اسلامی پیش از نزول قرآن وجود نداشته‌است. خوشنویسی یک هنر علی‌الاختصاص اسلامی است و هیچ‌گونه سابقه‌ای پیش از اسلام نداشته‌است. در این زمینه ابتدا خط کوفی شکل گرفت و سپس طی قرون متمادی خط‌های دیگر همچون نسخ، ثلث، محقق، ریحانی و نستعلیق و... پدید آمدند (نصر، ۱۳۷۳: ۱۵۹-۱۵۷).

در جریان به وجود آمدن خط‌های مختلف، ایرانیان تقریباً در نیمه دوم قرن هشتم یکسال پس از خط تعلیق، خط نستعلیق را ابداع کردند که مختص به خود آنها هم بود. نستعلیق از ترکیب نسخ و تعلیق بدست آمده بود به گونه‌ای که ایرانیان دوایر ناقص تعلیق را با خط نسخ ترکیب کردند و خطی بوجود آوردند که نه کندنویسی نسخ و نه نواقص خط تعلیق را داشته باشد (برات زاده، ۱۳۸۴: ۶۹). فضائی (۱۳۵۰: ۴۴۴)، این خط را اینگونه توصیف می‌کند: «ذوق و سلیقه ایرانی پیچیدگی و بی‌نظمی و دوایر ناقص خط تعلیق را نپسندید و آنرا با خط نسخ که خطی منظم و معتدل و زیباتر بود بسنجید و خط

ثالثی که نه کندنویسی نسخ و نه نواقص تعلیق را داشته‌باشد بوجود آورد، خطی دور از افراط و تفریط با نظم و متانت و دوایر ظریف و دلچسب».

این خط نه تنها در ایران بلکه در ممالک دیگر از جمله هند، ترکیه عثمانی، مصر و سایر بلاد عربی منتشر شد. خط نستعلیق از آغاز قرن ۹ تا پایان قرن ۱۱ سیر صعودی داشت و ایرانیان با همه اینکه از خطوط دیگر استفاده می‌کردند اما قلم مخصوص آنها نستعلیق بود از قرن دوازدهم تا ابتدای قرن سیزدهم به دلیل جنگ‌ها و ناامنی در اوضاع اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ایران، خوشنویسی رکودی نسبی داشته‌است. از نیمه دوم قرن سیزدهم تا قرن چهاردهم، روزگار تجدید حیات نستعلیق بود که یکی از برجسته‌ترین دوره‌های خوشنویسی ایران شد. قرن چهاردهم قمری توجه کمی به خوشنویسی شد (برات زاده، ۱۳۸۴: ۷۰-۶۹).

این خط، خطی کاملاً ایرانی است و گاهی آن را خط فارسی اطلاق می‌کنند. بنابراین این خط که از ظریف‌ترین و دقیق‌ترین آثار هنری ایران محسوب می‌شود و تمام اسلوب و قواعد خط اعم از ترکیب، کرسی، نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، صعود مجازی، نزول مجازی، اصول صفا و شأن در آن رعایت شده است در میان خطوط دیگر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و عروس خطوط اسلامی نامیده می‌شود (فضائی، ۱۳۵۰: ۷۷).

همانگونه که ذکر شد هنر خوشنویسی در میان دیگر هنرهای اسلامی از جایگاهی ویژه برخوردار است و هنری بصری محسوب می‌شود. از این رو این هنر از طریق مبانی هنرهای تجسمی یا به عبارتی مبانی هنرهای بصری قابل بررسی است. به طوری که می‌توان با بررسی عناصر و نیروهای بصری موجود در این هنر به پیام‌هایی که این هنر از طریق عناصر غیر کلامی به بیننده منتقل می‌کند، پرداخت. بنابراین در این مقاله، با بررسی ویژگی‌های بصری حروف در خط نستعلیق و شیوه نگارش و ترکیب‌بندی آن‌ها به شیوه چلیپا، سطرنویسی و مرقع‌نویسی و با بهره‌گیری از مبانی هنرهای تجسمی مانند خط، سطح، تناسب، تعادل، ریتم، رنگ و اشاره به (تزییناتی) همچون

و کمال است بلکه نشان از حرکت سیال و مداوم، ملایمت و ملاطفت شور درونی، نرمی و ایمنی می‌باشد و نوعی آرامش را به اعصاب و چشمان منتقل می‌کند (رحمانپور، ۱۳۸۷: ۳۶).

سطح

در مبانی هنرهای تجسمی، بالای سطح کار احساس سبکی، رها شدن و آزاد شدن را نشان می‌دهد و رهایی و آزادی را القاء می‌کند و ممانعت به حداقل می‌رسد در حالی که در پایین سطح کار تراکم و سنگینی و امتناع بیشتر بروز می‌کند و ممانعت به حداکثر خود می‌رسد (مصلحی، ۱۳۸۷: ۶۹). از آنجا که سمت چپ سطح، سبکی و آرامش را القا می‌کند و از این رو با بالا هماهنگی دارد و هر چه به سمت راست می‌رویم فشردگی و سنگینی بیشتر می‌شود. به عبارتی دیگر حرکت به سمت چپ، حرکت به سمت بیرون و رهایی است گویی انسان می‌خواهد از محیط عادی خود و از تمام اشکال همیشگی که باعث فشار بر او می‌شود و هر محیطی او را از حرکت باز می‌دارد رها شود و آزادانه تنفس کند. اما حرکت به سمت راست حرکتی است که به نوعی خستگی در آن دیده می‌شود و هدف آن رسیدن به آرامش است و هرچه حرکت به سمت راست متمایل شود ضعیف‌تر و کندتر می‌شود (همان: ۷۱-۷۰).

تناسب

طبیعت براساس تناسبات و اندازه‌هایی استوار است که در نظمی خاص، جریان تکوینی جهان و کیهان را در بر می‌گیرد و سیر تکاملی‌اش را به سوی کمال رهنمون می‌کند. هر اثری (هنری یا غیر هنری) در جهان اگر از اندازه‌های اساسی به کار رفته در طبیعت بیرون باشد، غیر عادی، ناخوشایند و ناپذیرا می‌گردد و نمی‌تواند راهی به سوی کمال مطلوب داشته باشد. بنابراین اگر بر این اعتقاد باشیم که هنر دارای زبانی است که برای بیان احساس‌هایی بکار می‌رود که قلم و واژه‌ها از توجیه آن ناتوانند پس هر اثر هنری که بخواهد حامل پیام باشد باید براساس اندازه‌ها استوار باشد (آیت‌اللهی، ۱۳۷۷: ۱۸۰).

تذهیب و تشعیر به پیام‌هایی که این هنر در پیوند با محتوای کلامی و یا جدای از آن از طریق عناصر و روابط شکلی به بیننده منتقل می‌کند (سطح غیر کلامی خوشنویسی) خواهد پرداخت. در ابتدا به اهمیت و نقش عناصر و ویژگی‌های بصری از منظر صاحب‌نظران این عرصه‌نگاهی اجمالی خواهیم داشت.

نقش عناصر بصری در انتقال معنا

خط

هنگامی که نقطه از حالت سکون خارج می‌شود و به حرکت در می‌آید به خط تبدیل می‌شود. بنابراین خط در هنرهای تجسمی از نقطه و حرکت متولد می‌شود. خط بوجود آمده می‌تواند وسیله‌ای باشد برای بیان روحیه هنرمندان و روحیه زمان و محیط پیرامونی آنها. در آفرینش خط، مواد و ابزار آن، چگونگی بکارگیری ابزار و شدت نیروی وارد شده بر آن، مدت زمان رسم خط تأثیر مهمی در نوع حرکت و آهنگ آن باقی می‌گذارد. حرکت جزء اصلی و وجودی خط است و خط بدون حرکت بوجود نمی‌آید و عامل حرکت نیز نیرو است (مصلحی، ۱۳۸۷: ۳۰-۲۹).

اما از آنجا که نیروها به اشکال مختلفی بروز می‌کنند، خطوط متفاوتی شکل می‌گیرند: از کاربرد دو یا چند نیرو خطوط شکسته و منحنی بوجود می‌آیند. اما تفاوت آنها در این است که در خطوط شکسته از دو نیروی وارد بر آن زاویه ایجاد می‌شود اما اگر دو نیرو در دو راستای متفاوت به طور همزمان بر یک نقطه اثر کنند، حرکت نقطه در یک مسیر تبدیل به خطی منحنی می‌شود خط منحنی زاویه و گوشه ندارد. در خطوط منحنی نیروی قوی‌تری وجود دارد که حالت خشونت و ناپختگی ندارد ولی مقاومت بالایی دارد. زاویه حالتی جوان و ناپخته دارد اما این ناپختگی در خطوط منحنی تبدیل به اثرژی پخته نهفته در خط تبدیل می‌شود. خط صاف پیام تولد، خط شکسته پیام جوانی و خط منحنی بلوغ و کمال را به بیننده القا می‌کند (همان: ۳۹-۴۵).

بنابراین خط منحنی در اثر تجسمی نه تنها حامل پیام بلوغ

بصری نقش بسزایی دارد. انتقال احساس حرکت توسط ریتم بوجود می‌آید. ریتم به چهار دسته کلی تقسیم می‌شود: ریتم یکنواخت، که به علت عدم تنوع، تأثیری منفی ایجاد می‌کند و پس از مدتی ملال‌آور خواهد شد و نظمی خشک و غیرقابل انعطاف را ایجاد می‌کند. ریتم متناوب، که در آن یک عنصر تکرار می‌شود اما این نوع تکرار با تغییرات متناوب، نوعی انتظار برای پیگیری تکرار و ادامه ریتم را بوجود خواهد آورد. ریتم تکاملی که با تغییراتی به وضعیت یا حالتی تازه‌تر می‌رسد و نوعی رشد و تکامل را در بردارد. ریتم موجی که با استفاده از حرکت منحنی سطوح و خطوط بوجود می‌آید و همچنین از نوعی تناوب هم برخوردار است. این نوع ریتم، نوع کاملی از انواع ریتم است که با زندگی انسان پیوند خورده است (حسینی‌راد، ۱۳۸۰: ۹۵-۸۸).

رنگ

رنگ با احساسات و عواطف بشر ارتباط بسیاری دارد و پیام‌ها و اطلاعات بسیاری را در خود نهفته دارد. رنگ‌های متفاوت نه تنها تأثیر و معنای خاصی دارند که از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی است بلکه هر کدام تداعی‌کننده حالتی رمزی هستند که از فرهنگی به فرهنگی دیگر می‌تواند متفاوت باشد (داندیس، ۱۹۸۳: ۸۲).

نقش عناصر و ویژگی‌های بصری در خط نستعلیق

خط

با توجه به آنچه پیرامون اهمیت نوع خط در انتقال معنا ذکر شد و از آنجا که حروف و کلمات خط نستعلیق که عروس خطوط اسلامی است از دور و انحنای بیشتری نسبت به بقیه خطوط اسلامی برخوردار است (احسنت، ۱۳۷۰: ۹)، خط نستعلیق که از خطوط منحنی تشکیل شده است، می‌تواند پیام‌ها و حالاتی مانند سیال بودن، ملامت و ملاحظت شور درونی، نرمی، بلوغ و کمال، ایمان و آرامش را به بیننده منتقل سازد.

سطح

چپ و راست، بالا و پایین مفاهیمی هستند که در هنرهای

نسبت طلایی که از زمان اقلیدس شناخته شده بود آن را نفس زیبایی در هنر و طبیعت دانسته‌اند. «نسبت طلایی تقسیم غیرمساوی یک خط به نحوی که نسبت قطعه کوچکتر به بزرگتر برابر باشد با نسبت قطعه بزرگتر به تمامی خط است». نسبت تقریبی آن ۵ به ۸، ۸ به ۱۳، ۱۳ به ۲۱ و... (۶۱۸/۰) است (پاکباز، ۱۳۸۸: ۵۷۲). این اصل یکی از اصول مطلق کمپوزیسیون محسوب می‌شود که نه تنها در طبیعت موجود می‌باشد بلکه در آثار هنری نیز موجود می‌باشد. این زیبایی در نسبت‌ها وجود دارد نه الزاماً در خود عناصر. این نسبت در معماری، مجسمه‌سازی، نقاشی، خوشنویسی، عکاسی و طرح‌های گرافیکی کاربرد دارد (مه‌پر، ۱۹۷۶: ۵۷-۵۶).

تعادل

از آنجا که انسان همواره به دنبال استواری است در ارزیابی‌های خویش بیش از هر چیز به تعادل و توازن توجه می‌کند (داندیس، ۱۹۸۳: ۴۸). به عبارتی، دستگاه حسی انسان همواره در جستجوی تعادل است. در متعادل سازی، طرح در مرکز ثقل یا محور تعادلی حسی بین عناصر موجود قرار دارد و دو سمت محور یا مرکز ثقل دارای وزن‌های مساوی هستند. اگر این تعادل برقرار نشود ناآرامی و تحریک‌کنندگی را به بیننده القاء می‌کند (همان، ۱۵۷).

نقطه مرکزی تابلو کانون حقیقی آن می‌باشد. این نقطه جایی است که عناصر جذابیت خویش را به تناسب موقعیتشان نسبت به این مرکز بدست می‌آورند. بنابر اصل قیاس، هر چه عنصری از وسط تصویر فاصله داشته‌باشد، وزن و قدرت بصری آن افزوده می‌شود (رانکین پور، ۱۹۴۰: ۷-۵). بنابراین هر چه بر جذابیت بصری یک شیء در یک سمت تابلو افزوده می‌شود به همان نسبت تعادل در آن کمتر می‌شود و باید با استفاده از شیء دیگر در سمت دیگر تابلو این تعادل برقرار شود.

ریتم

ریتم، تکرار منظم و متوالی یک عنصر است و در هنرهای

تعادل

همانطور که عدم تعادل نوعی ناآرامی و تحریک‌کنندگی را به بیننده القا می‌کند، تعادل نوعی استواری را به انسان منتقل می‌کند. رعایت تعادل در انتخاب کشیده‌ها (که بعداً به تفصیل در سطرنویسی توضیح داده خواهد شد)، نوع نقطه گذاری، در قواعد خوشنویسی (خلوت و جلوت) به آن بسیار توجه شده است. نقطه‌گذاری در نستعلیق به گونه‌ایست که نقطه‌ها نه تنها کلمات را کامل می‌کنند بلکه نقاط نقش پرکننده فضاهای خالی را نیز دارند به گونه‌ای که تعادل در آن برقرار شود. مفاهیم خلوت و جلوت از اصول خوشنویسی است که غلبه یکی بر دیگری سبب بهم خوردن تعادل می‌شود و یک اثر خوشنویسی نباید در یک قسمت فضای خالی یا فضایی بسیار متراکم و سنگین داشته‌باشد و این همان مفهوم تعادل است که به اثر استحکام و استواری می‌بخشد.

ریتم

همانگونه که در بالا ذکر شد، ریتم توسط حرکت بوجود می‌آید و حرکت نیز از طریق تکرار بدست می‌آید. ریتم در خوشنویسی بنا به نوع آن می‌تواند پیام‌های متنوعی داشته‌باشد. در مطالعه موردی به نمونه‌ای از آن اشاره خواهد شد.

رنگ

بنابر آنچه قبلاً ذکر شد، رنگ در هنرهای بصری از ارزش بسیاری برخوردار است. بنابراین در خوشنویسی نیز می‌تواند پیام‌هایی متفاوت را در ترکیب با سطح کلامی اثر به بیننده منتقل کند که نه تنها تأثیری روانشناختی دارد بلکه گاه رنگ بیان‌کننده رموز عرفانی است. رنگ در خوشنویسی هم در رنگ جوهر، رنگ زمینه و هم در بخش‌های مربوط به تزیینات جانبی مثل رنگ بکار رفته در تذهیب تأثیر بسیاری دارد.

تزیینات در خوشنویسی (تذهیب و تشعیر)

تذهیب و تشعیر دو گونه از اشکال هنری هستند که در

تجسمی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. چپ و راست، بالا و پایین در یک سطح یکسان عمل نمی‌کنند و حسی که از آنها به بیننده منتقل می‌شود یکسان نیست. همین امر سبب شده‌است که خطی که از چپ به راست نوشته شده‌است با خطی که از راست به چپ نوشته متفاوت باشد و معناهای متفاوتی را منتقل کند. با توجه به آنچه در بالا ذکر شد نگارش از سمت راست به چپ در خط فارسی (اگرچه مختص به خط نستعلیق نیست و کل خطوط عربی و فارسی را شامل می‌شود) برخلاف حرکت به راست که حرکتی ضعیف و کند می‌باشد نوعی خستگی در آن نهفته است، حرکتی است که در آن نوعی رهایی، آزادی، سبکبالی و دوری از هر نوع فشار و روزمرگی و حرکت به سمت برون در آن دیده می‌شود. حرکت از پایین به بالا در بخش چلیپانویسی توضیح داده خواهد شد.

تناسب

همانگونه که ذکر شد برای اینکه یک اثر خوشنویسی خوشایند به نظر برسد و غیرعادی، ناخوشایند و ناپذیرا نباشد باید از تناسب برخوردار باشد. ابداع‌کنندگان خط نستعلیق در شکل حروف و کلمات انتخاب کادر مربع، چلیپا، کتابت و فاصله دو سطر و دیگر حالات ترکیبی آن در اکثر موارد نزدیک به و گاهی منطبق بر تناسب طلایی عمل کرده‌اند. حروف و کلمات از دو جهت با $0/618$ ارتباط دارند. یکی نسبت ضعف و قوت (ضخامت اجزاء) است به‌گونه‌ای که در ابتدای نوشتن، قلم زاویه‌ای معادل $63/5$ درجه با سطح افق دارد و این زاویه در اکثر حروف تا انتهای تحریر حفظ می‌شود. دیگری نسبت اندازه‌های اجزاء با کل و اجزاء با یکدیگر بگونه‌ای که در نسبت اجزاء اندازه سطح و طول و میزان گردش‌های حروف مدنظر است. به عنوان مثال در تصویر شماره ۱، تناسب در حرف "ی" به این صورت است: AB نسبت به BC نسبت $0/618$ دارد و همین‌طور OP نسبت به PQ و بدین ترتیب EF به FG و OQ به BC (بختیاری، ۱۳۶۴: ۱۳۶-۱۳۵).

اولین کلمه در سمت راست می‌باشد (فلسفی، ۱۳۸۳: ۱۴-۱۳). این اولویت بندی به این خاطر است که تعادل در ترکیب حفظ شود. در این صورت اولین انتخاب نقطه ایست که سطر بالاترین تعادل را دارد و آخرین اولویت نقطه ایست که تعادل در آن کمترین مقدار است (البته در انتخاب کشیده‌ها، تنها یک مورد از دلایل انتخاب مکان کشیده‌است که با توجه به نوع حرف کشیده ممکن است مکان بهترین انتخاب تغییر کند). بنابراین اگر کشیده در وسط سطر باشد، تعادل در بهترین حالت خود می‌باشد و این همان نقطه ایست که اولویت اول کشیده‌ها می‌باشد و کشیده‌ای که در ابتدای سطر قرار می‌گیرد جاذبه بصری آن بیش از کشیده‌ای است که نزدیک به وسط است بنابراین تعادل در آن به نسبت کمتر می‌شود. بنابراین تعادل را به بهترین صورت می‌توان در ترکیب بندی خط نستعلیق مشاهده کرد. برای مثال، در تصویر شماره ۲ نمونه‌ای از دوسطری است کشیده‌ها در محل انتخاب دوم قرار گرفته‌اند.

چلیپا

واژه چلیپا معانی متفاوتی دارد: صلیب، داری که حضرت عیسی را به آن آویخته‌اند و کنایه از زلف معشوق. اما در اصطلاح خوشنویسان، چلیپا نوعی کج نوشته می‌باشد که برای نوشتن دوبیت از اشعار یا دوبیتی‌ها بکار می‌رود (احسنت، ۱۳۷۰: ۱). تصویر ۳، نمونه‌ای از چلیپاست که تمام ویژگی‌های چلیپا در آن بخوبی نشان داده شده‌است.

اما خط کشی چلیپا به شکلی است که اولین خط کرسی با زاویه‌ای حدود ۴۵ درجه با سطح عمودی رسم می‌شود و فاصله آن با سطر دوم یک سوم طول مصراع می‌باشد. فاصله سطر دوم و سوم کمی بیشتر از یک سوم و فاصله سطر سوم و چهارم یک سوم می‌باشد (احسنت، ۱۳۷۰: ۱۳). بنابراین کلمات طوری روی سطح مستطیل قرار می‌گیرند که از سمت چپ به سمت راست و به حالت صعودی نوشته می‌شود. با توجه به اینکه حرکت خط در چلیپا به سمت بالا است، این صعود نوعی احساس سبکی، رهاشدن و آزادی را به بیننده

(ترتیب) خط از اهمیت بسیار برخوردار هستند، هر چند ویژه خط نستعلیق نیستند. بنا به تعبیر ارشیر مجرد تاکستانی (۱۳۸۱) مجموعه‌ای است از نقش‌های بدیع و زیبا که برای تزئین کتاب‌ها، دیوان اشعار، قطعه‌های خط و... به کار می‌رود. تذهیب به گونه‌ایست که کناره‌ها و اطراف صفحه‌ها، با طرح‌هایی از شاخه‌ها و بندهای اسلیمی، ساقه، گل و برگ‌های ختایی، شاخه‌های اسلیمی و... تزئین می‌شوند (برات‌زاده، ۱۳۸۴: ۸۸). تشعیر نیز نوعی تزئین نسخ خطی است که در حاشیه نسخ یا مرقعات انجام می‌گیرد. یک یا دو یا سه رنگ طلا در آن به کار می‌رود و برای ترسیم آن از خطوط منظم و گاهی تصاویر پرندگان و جانوران استفاده می‌شود و تفاوت آن با تذهیب در تعداد رنگ‌های بکار رفته در آنست (همان: ۹۱). تکرار هماهنگ و بی انتهای این نقوش، قرینگی عرضی و طولی آنها و حرکت بسیار و مواج بودنشان، دنیایی را به تصویر می‌کشد که از جنس این دنیا نیست بلکه دنیایی است غیر محسوس و نادیدنی. این نقوش، دنیایی فراتر از واقعیات و روزمرگی‌ها را بیان می‌کنند که سمبلی از بهشت سرمدی می‌باشند (همان: ۶۶).

انواع قالب‌های خوشنویسی نستعلیق

خط نستعلیق بنا به نوع کاربرد آن و هدف آن به اشکال گوناگونی نوشته می‌شود به عنوان مثال سطر نویسی یا مصرع نویسی، چلیپا، کتابت، مرقع نویسی و... انواعی از نگارش این خط می‌باشد. در این بخش از مقاله چند مورد از این قالب‌ها به اجمال مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سطر نویسی

در این گونه از خوشنویسی نستعلیق، یک سطر کوتاه یا یک مصرع در صفحه‌ای افقی نوشته می‌شود و به گونه‌ای خط کشی می‌شود که مصرع در وسط صفحه قرار گیرد. اما آنچه در سطر نویسی دارای اهمیت است انتخاب مکان کشیده‌ها است. بنابر اولویت مکان کشیده‌ها، پنج انتخاب وجود دارد. که همانگونه که در زیر مشاهده می‌شود اولین انتخاب در وسط است، و آخرین انتخاب

و گاهی از سمت چپ به راست، که حرکت راست به چپ بر حرکت بالعکس خود غلبه دارد. بنابراین حرکت به سمت چپ که حرکتی است که در آن نوعی رهایی، آزادی، سبکبالی و دوری از هر نوع فشار و روزمرگی و حرکت به سمت برون را نشان می‌دهد در آن بیشتر دیده می‌شود در عین حال که حرکت به سمت راست هم در آن دیده می‌شود و آن را از یکنواختی دور می‌کند.

حروف کشیده

گاهی فقط به سمت بالا می‌روند و گاهی به پایین می‌آیند اما در پایین متوقف نمی‌شوند و دوباره به سمت بالا می‌روند که این خود نشان‌دهنده نوع حرکت زندگی است که حرکت به سمت بالا را نشان می‌دهد و نوعی احساس سبکی، رهاشدن و آزادی را به بیننده القا می‌کند. نقاط، ویرگول، تشدید و خرد اندام‌ها به گونه‌ای در فضا حضور یافته‌اند که تعادل در سرتاسر نوشته برقرار شود و آن را استحکام بخشد و فضا را از خلوت (درمقابل جلوت) بودن درآورد. در این اثر در کادری مستطیلی با طول و عرض ۳۵ در ۴۴ جای گرفته‌است که نسبت قسمت کوچکتر به قسمت بزرگتر ۰/۷۹۵ می‌باشد که نسبتی نزدیک به تناسب طلایی دارد و همین سبب می‌شود که کادر مرقع زیبا و دلپذیر به نظر برسد. این پیام با مضمون کلامی آن هماهنگ است چرا که زندگی را حرکت می‌داند و با استفاده از دایره، حرکتی همیشگی و بی‌آغاز و انجام و ترم و ملایم را به بیننده منتقل می‌کند. به علاوه زندگی امید است و ریشه این امید مادی نیست بلکه الهی و آسمانی است که با حرکت دورانی به خوبی نشان داده شده‌است.

با استفاده از رنگ‌های خاکی و آرام و روشن و گرم، هماهنگی خوبی با رنگ جوهر خوشنویسی (رنگ قهوه‌ای) ایجاد شده است، بگونه‌ای که رنگ‌های روشن و ملایم که به عنوان رنگ زمینه قرار گرفته‌اند جلوه‌ای خاص به رنگ قهوه‌ای جوهر خوشنویسی داده‌اند. همچنین، رنگ‌های خاکی به‌کاررفته در اثر که تمادی از طبیعت می‌باشند، علاوه بر اینکه رشد، حرکت،

القا می‌کند. اما این صعود تنها در خط‌کشی چلیپا نیست بلکه حروف باید طوری روی خط کرسی قرار بگیرند که در انتهای سطر حالت افتادگی به چشم نخورد و چشم در مسیر حروف نوشته شده روی خط کرسی به سمت پایین حرکت نکند. برای این منظور حروفی که جایگاه آنها پایین‌تر از خط کرسی می‌باشد در انتهای سطر روی خط کرسی نوشته می‌شود.

مرقع

مرقع در اصطلاح عرفا و صوفیان این بود که از کهنه پاره‌ها و لباس‌های فرسوده، مرقعی فراهم می‌آوردند و با رقعہ رقعہ دوختن و وصله زدن تن پوشی خوارمایه برای خود ایجاد می‌کردند. مادر خوشنویسی مرقع از ترکیب و تنظیم قطعه‌های منتخب خطوط خوشنویسان بوجود می‌آید (فضائل، ۱۳۵۰: ۵۰). به علاوه حواشی صفحات را تذهیب یا تشعیر، کار می‌کنند و اسامی سفارش دهنده و گردآورنده و شرحی در ابتدا و تاریخ پایان کار در انتهای دفتر درج می‌شود (پاکباز، ۱۳۸۸: ۵۲۹). همان طور که قبلاً ذکر شد تذهیب و تشعیر بکار رفته در آن علاوه بر اینکه به زیبایی اثر خوشنویسی می‌افزاید، به آن مفهومی ماورایی می‌بخشد.

مطالعه موردی

اثر تصویرسه نمونه‌ای از آثار استاد غلامحسین امیرخانی (خوشنویس معاصر) در قالب مرقع و به خط نستعلیق است (تصویر شماره ۴). بیشتر فضای دایره کوچک از حروف کشیده‌ای تشکیل شده است که از انحنایی زیبا برخوردار هستند و هیچ‌گونه شکستگی در آنها دیده نمی‌شود. این انحنایی خطوط، سیال بودن، نرمی، کمال، ایمان و آرامش را به بیننده منتقل می‌کند که با معنای کلامی آن سازگاری دارد چرا که حرکت نیاز به سیال بودن دارد و نرمی حرکت نیز به‌طور ضمنی در انحنایی خطوط نهفته شده‌است و امید نیز با آرامش و ایمان توأم است که این را هم از نوع خطوط می‌توان دریافت. اما جهت همه کشیده‌ها در یک خط مستقیم نیست. گاهی از سمت راست به چپ

بدانیم که اگر همین اشعار با خط ثلث نوشته می‌شد، بدلیل استحکام و فشردگی بیشتر آن حرکتی کندتر را به نمایش می‌گذاشت و اگر با خط شکسته نستعلیق نوشته می‌شد، بدلیل روان بودن و سیال بودن بیشتر آن حرکتی روان‌تر را نشان می‌داد. اگر این اشعار در قالبی دیگر مثلاً چلیپا نوشته می‌شد امکان تأکید بر یک مصرع از بین می‌رفت اما حرکت صعودی را بخوبی نشان می‌داد.

در مجموع این نکات و توضیحات (که البته خودش یک تفسیر و برداشت از طرف نویسندگان این مقاله است و نه یگانه تفسیر یا برترین تفسیر) درمی‌یابیم که چگونه در آفرینش این اثر خوشنویسی نستعلیق، آگاهانه و یا حتی ناخودآگاه، عناصر و ویژگی‌های بصری در خدمت تقویت و تعمیق پیام کلامی ابیات خوشنویسی شده به کار گرفته شده‌است و این همان بیان هنری است که تأثیر چگونه گفتن (جنبه بصری) بر آنچه که گفته می‌شود (محتوای کلامی) را به نمایش می‌گذارد.

نتیجه‌گیری

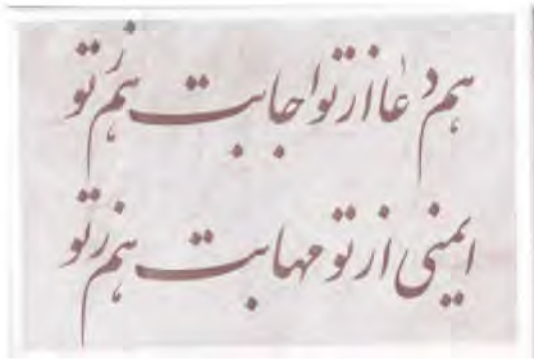
خط نستعلیق که عروس خطوط اسلامی نامیده شده‌است به دلیل ویژگی‌های بصری که دارد، پیام‌های غیر کلامی ویژه‌ای را پدید می‌آورد. با بررسی عناصر بصری موجود در این خط می‌توان پیام‌ها و حالات ایجاد شده توسط این خط را شناخت. این خط که از خطوط منحنی تشکیل شده‌است، پیام‌هایی چون سیال بودن، ملایمت و ملاطفت شور درونی، نرمی، بلوغ و کمال، ایمنی و آرامش را در بردارد. نگارش از سمت راست به چپ نوعی رهایی، آزادی، سبکی و دوری از هر نوع فشار و روزمرگی و حرکت به سمت برون را به بیننده القاء می‌کند. تناسب طلایی بکار رفته در شکل حروف و کلمات خط نستعلیق و انتخاب کادر مرقع، چلیپا، کتابت و فاصله دو سطر و نسبت ضعف و قوت (ضخامت اجزاء) و نسبت اندازه‌های اجزاء با کل و اجزاء با یکدیگر، که منطبق بر تناسب موجود در طبیعت می‌باشد، آن را عادی، خوشایند و پذیرا می‌گرداند و راهی به سوی کمال مطلوب دارد. رعایت تعادل که در انتخاب

زندگی و کمال را نشان می‌دهند، یادآور سرشت خاکی انسان نیز هستند.

ریتم به‌کار رفته در این اثر ریتم موجی است چرا که حرکتی مستقیم نیست بلکه با استفاده از حرکت منحنی خطوط بوجود آمده‌است و همچنین از آنجا که جهت، شکل و نوع کشیده‌ها با یکدیگر متفاوت است، نوعی تناوب در آن دیده می‌شود. این ریتم هم در دایره وسط و هم در دایره موجود در حاشیه به چشم می‌خورد.

از سوی دیگر باید به نقش ویژگی‌های بصری در تزیینات همراه این خوشنویسی نیز توجه کرد. علاوه بر اینکه شعری که با قلم درشت نوشته شده‌است به‌صورت دایره‌وار است، کل شعر (بجز یک مصرع آن) در یک شمسه قرار گرفته‌است و شعاع‌هایی در قاب تذهیب در اطراف آن ایجاد شده‌است که هم حس حرکت دورانی و هم حس حرکت به بیرون را ایجاد می‌کند. از آنجا که در دایره حرکتی نهفته‌است که ابتدا و پایان ندارد، بی‌نهایت متغیر است و نرم و ملایم می‌باشد و همچنین شکلی است که نماد روحانیت دارد (آیت‌اللهی، ۱۳۷۷:

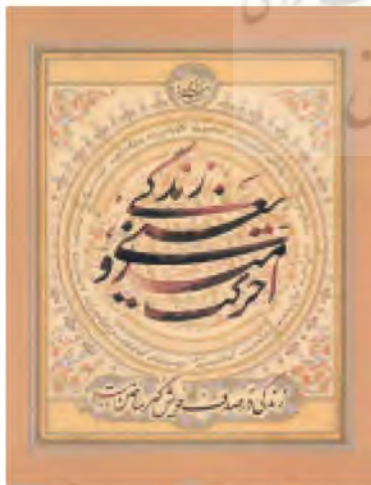
۱۷۲-۱۷۱)، پیام بی‌نهایت بودن، تغییر و ملایمت را به بیننده القا می‌کند. شکل کلی خورشید نیز در آن یادآور خورشید است که خورشید مظهر امید و حیات است که در اینجا نیز از فرم برای تأکید بر معنای مورد نظر بهره برده‌است. تذهیب موجود در اثر، حالتی روحانی و معنوی به اثر می‌بخشد و با توجه به بخش کلامی آن، زندگی را حرکتی می‌داند به سمت دنیایی بی‌پایان. نوشته زیرین اثر هم مانند گوهری است که در دل یک صدف (صدف، تذهیب اطراف آنست) همچنین فرم دایره اصلی و بزرگ هم در ارتباط با نوشته زیرین یادآور مروارید است. اشعاری که بصورت ریز دور دایره بگونه‌ای نوشته شده‌اند که در هر مصرع یک کشیده قرار گرفته‌است تا تعادل در آن حفظ شود و چشم خسته نشود. شعری که در وسط قرار گرفته، طوری در میان نوشته‌های ریز قرار گرفته که انگار تمام شعر را در همین چند کلمه خلاصه می‌کند. بنابراین نوع خط و نوع ترکیب‌بندی می‌تواند در انتقال معنا نقشی به‌سزا داشته باشد. از سوی دیگر باید



تصویر ۲: دو سطر اثر استاد امیر فلسفی
(منبع: فلسفی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۳).

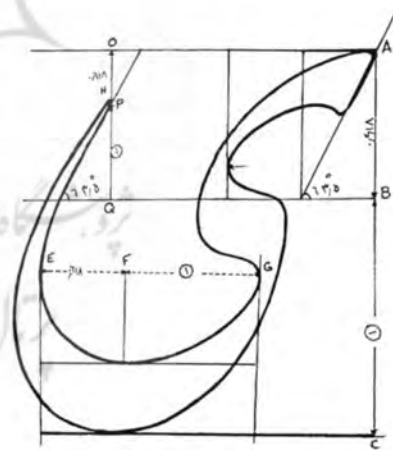


تصویر ۳: چلیپا اثر غلامحسین امیرخانی
(منبع: امیرخانی، ۱۳۷۳).



تصویر ۴: مرقع استاد غلامحسین امیرخانی
(منبع: امیرخانی، ۱۳۷۳).

کشیده‌ها، نوع نقطه‌گذاری، در قواعد خوشنویسی (خلوت و جلوت) به چشم می‌خورد، به اثر استحکام و استواری می‌بخشد. ریتم نیز بعنوان یکی عناصر تاثیرگذار در خوشنویسی بررسی شد، انواع آن ذکر شد و به نمونه‌ای از آن در مطالعه موردی اشاره شد. در این مقاله، سطرنویسی و چلیپا و مرقع به عنوان قالب‌هایی از خوشنویسی بررسی شدند و به تعادل در سطرنویسی و حرکت خط در چلیپا به سمت بالا و پیام‌های موجود در این ترکیب‌بندی (احساس سبکی، رهاسدن و آزادی) و نیز مرقع و کاربرد تذهیب و تشعیر در خوشنویسی و مفاهیم ماورایی این دو هنر تزئینی در قطعه‌های هنری اشاره شد. در پایان به یک اثر از آثار استاد امیرخانی پرداخته شد و تعادل، تناسب، ریتم، ویژگی خطوط، ترکیب‌بندی و تذهیب و... در آن مورد بررسی قرار گرفت. در مجموع، بررسی انجام شده، فرضیه ابتدای مقاله در این باب که ویژگی‌های بصری در ترکیب با محتوای کلامی نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در ایجاد حالات و انتقال پیام نهایی دارد را تأیید می‌کند.



تصویر ۱: نمونه‌ای از زوایا و تناسبات موجود در خط نستعلیق
(به خط استاد میرعماد).

منبع: بختیاری، ۱۳۶۴، ص ۱۳۷ گرفته شده از پایگاه مجلات تخصصی.

فهرست منابع

- مه‌یر، لوسیه. (۱۳۸۷). اطلاعات جامع هنر(اصول مقدماتی هنر). (عربعلی شروه، مترجم). تهران: اسرار دانش، تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۷۶).
- نصر، سید حسین. (۱۳۷۳). جوان مسلمان و دنیای متجدد. (مرتضی اسعدی، مترجم). تهران: طرح نو، تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۹۳).

- آیت‌اللهی، حبیب‌الله. (۱۳۷۷). مبانی هنرهای تجسمی. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران: سمت.
- احسنت، قاسم. (۱۳۷۶). ترکیب چلیپا. تهران: فرهنگسرا (یساولی)، چاپ سوم.
- امیرخانی، غلامحسین. (۱۳۷۹). برگزیده آثار استاد غلامحسین امیرخانی (۱۰ تابلو). تهران: انتشارات کلهر، چاپ دوم.
- بختیاری، جواد. (۱۳۶۴). جوهره و ساختار هندسی خط نستعلیق. پایگاه مجلات تخصصی، ۵ تیر ۱۳۹۰.
- مبرات‌زاده، لیلی. (۱۳۸۴). خوشنویسی در ایران. دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- پاکباز، رویین. (۱۳۸۸). دائره المعارف هنر / فرهنگ معاصر. تهران: چاپ و نشر ارشاد اسلامی، چاپ هشتم.
- حسینی‌راد، عبدالمجید. (۱۳۸۰). مبانی هنرهای تجسمی (قسمت اول) ۳۵۸/۲۱. تهران: شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران.
- داندیس، دونیس ا. (۱۳۸۸). مبادی سواد بصری. (مسعود سپهر، مترجم). سروش: انتشارات صدا و سیما، چاپ بیست و یکم، تهران (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۸۳).
- رانکین پور، هنری. (۱۳۸۲). ترکیب بندی در نقاشی. (فرهاد گشایش، مترجم). لوتس، چاپ دوم، تهران (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۴۰).
- رحمانپور، ارمان. (۱۳۸۷). مبانی هنرهای تجسمی ۱. تهران: ره آورد.
- شادقزوینی، پریسا. (۱۳۸۲). ویژگی‌های کلی هنر اسلامی در سه شاخه خوشنویسی، تذهیب و نگارگری با نگاه غیب و شهود. مدرس هنر، ش ۳، صص ۶۱-۷۱.
- فضائلی، حبیب‌الله. (۱۳۵۰). اطلس خط. انجمن آثار ملی ایران، تهران.
- فلسفی، امیر. (۱۳۸۳). نگاهی به ترکیب در نستعلیق. تهران: یساولی، چاپ چهاردهم.
- مصلحی، علی محمد. (۱۳۸۷). مبانی پایه و هندسی عناصر گرافیک (نقطه، خط، سطح). تهران: فخرآکیا.

The Impact of Visual Attributes of Nastaligh in Rransition the Messages

Jalillollah Faroughi¹, Mohammad Ali Bidokhti², Mona Nikzadfar³

1-Associate Professor of Birjand University

2-Assistant Professor of Birjand University

3-Am of Birjand University

Abstract

Calligraphy in Islam was made to compose the Heavenly Book, so it is respected among the most holy specialties of Islamic world. As it were, it is viewed as the finest visual Islamic craftsmanship. As a consequence of its noteworthiness and broad assortment of employments, there have created distinctive sorts of calligraphy, the most prominent of which is Nastaligh. It is contrived by Iranians and made of the mix of Naskh and Taligh and it is known as the lady of calligraphy on account of its great excellence. Its impact at nonverbal level makes an expansive part of its character and noteworthiness in different structures over the span of workmanship history. Considering the visual attributes of the letters in Nastaligh and their written work style and creation utilizing the establishments of visual expressions, the present article examines the messages that this craftsmanship exchanges to the viewer in mix with verbal substance, or secluded from that, by means of formal relations and components.

Key words: Islamic Art , Calligraphy , Nastaligh , Visual Arts.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1- Email: j_faroughi@yahoo.com

2- Email: bidokhtima@yahoo.com

3- Email: mona_n0@yahoo.com